

به نام پروردگاریکتاب

# درآمدی بر زبان‌شناسی بالینی

حوریه احدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

### درآمدی بر زبان‌شناسی بالینی

مؤلف: حوریه احدی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری: هلیا عباسی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۷۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: احدی، حوریه، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر زبان‌شناسی بالینی / حوریه احدی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۲۵ص: مصور، جدول، نمودار.

شابک: 978-622-6304-73-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص: ۴۲۵-۴۰۱.

موضوع: زبان‌پریشی

موضوع: Language disorders

موضوع: زبان‌پریشی کودکان -- درمان

موضوع: Language disorders in children – Treatment

موضوع: عصب‌شناسی زبان

موضوع: Neurolinguistics

موضوع: زبان‌شناسی

موضوع: Linguistics

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: RC۴۲۳

رده بندی دیویی: ۶۱۶/۸۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۹۹۶۶۱

وضعیت رکورد: فیبا

## فهرست

۹	پیش‌گفتار
	<b>فصل اول: زبان‌شناسی بالینی</b>
۱۱	۱.۱ مقدمه
۱۳	۲.۱ زبان
۲۲	۳.۱ اختلالات گفتار و زبان
۲۵	۴.۱ تعریف زبان‌شناسی بالینی
۳۹	۵.۱ نقش زبان‌شناس بالینی
۴۳	۶.۱ پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه زبان‌شناسی بالینی
۴۵	۷.۱ بررسی پژوهش‌های مرتبط با زبان‌شناسی بالینی در ایران
۴۹	۸.۱ خلاصه
	<b>فصل دوم: آواشناسی</b>
۵۱	۱.۲ مقدمه
۵۲	۲.۲ آواشناسی تولیدی
۵۲	۱.۲.۲ تنفس و آواسازی
۵۶	۲.۲.۲ شیوه و جایگاه تولید
۵۸	۳.۲.۲ طبقه‌بندی آواهای گفتاری
۵۹	۴.۲.۲ ابزارهای آواشناسی تولیدی
۵۹	۱.۴.۲.۲ تصویربرداری
۶۱	۲.۴.۲.۲ کام‌نگار الکترودی
۶۳	۳.۴.۲.۲ استروبوکوپیی و ویدئواستروبوکوپیی
۶۵	۴.۴.۲.۲ ویدئوفلوروسکوپیی و نازواندوسکوپیی
۶۶	۳.۲ آواشناسی آکوستیک
۶۸	۱.۳.۲ علائم آکوستیک

#### ۴ درآمدی بر زبان‌شناسی بالینی

۶۹	۲.۳.۲ نقش کلیدهای آکوستیکی
۷۱	۱.۲.۳.۲ کلیدهای آکوستیکی درک واکه
۷۴	۲.۲.۳.۲ کلیدهای آکوستیکی درک همخوان
۷۹	۳.۳.۲ نوای گفتار
۸۶	۴.۳.۲ ترکیب کلیدهای آکوستیکی و دریافت گفتار
۸۷	۵.۳.۲ طیف‌نگار
۸۹	۴.۲ آواشناسی شنیداری
۸۹	۱.۴.۲ ساختمان و عملکرد گوش
۹۲	۲.۴.۲ درک زیرویمی
۹۴	۳.۴.۲ درک قدرت صوت یا بلندی
۹۷	۴.۴.۲ طنین
۹۸	۵.۴.۲ تشدید
۱۰۲	۶.۴.۲ ابزارهای آواشناسی شنیداری
۱۰۲	۱.۶.۴.۲ پس‌نورد شنیداری تأخیر یافته
۱۰۳	۲.۶.۴.۲ شنیدن دوگوشی
۱۰۴	۵.۲ خلاصه

#### فصل سوم: واج‌شناسی

۱۰۵	۱.۳ مقدمه
۱۰۷	۲.۳ واج‌شناسی
۱۱۳	۳.۳ واج‌شناسی مختصه‌ای
۱۱۸	۴.۳ واج‌شناسی طبیعی
۱۲۸	۵.۳ واج‌شناسی زایشی
۱۳۱	۶.۳ واج‌شناسی غیرخطی محدودیت‌بنیاد
۱۴۱	۷.۳ واج‌شناسی بهینگی
۱۵۱	۸.۳ واج‌شناسی تولیدی
۱۵۸	۹.۳ آگاهی واج‌شناختی
۱۶۳	۱۰.۳ خلاصه

#### فصل چهارم: نحو

۱۶۶	۱.۴ مقدمه
-----	-----------

## فهرست ۵

۱۶۷	۲.۴ دستور زایشی
۱۷۴	۳.۴ دستورپیشی
۱۷۶	۴.۴ فرضیهٔ نقص تطابق
۱۸۱	۵.۴ فرضیهٔ نقص منبع
۱۸۴	۶.۴ فرضیهٔ نقص در زمان‌بندی
۱۸۸	۷.۴ فرضیهٔ نقص نحوی
۱۹۷	۱.۷.۴ نقص نحوی کلی
۱۹۸	۲.۷.۴ نقایص مربوط به ایجاد ساختار
۱۹۸	۱.۲.۷.۴ نقص در روساخت
۲۰۰	۲.۲.۷.۴ نقص مؤثر بر ساخت فرافکنی‌های نقشی خاص
۲۰۵	۳.۷.۴ نقص در تعیین مشخصهٔ هسته‌های دستوری
۲۱۰	۴.۷.۴ نقص در حرکت
۲۱۲	۵.۷.۴ نقص در وابستگی‌های ساختاری
۲۱۵	۶.۷.۴ مشکل در تبیین نقایص نحوی
۲۱۹	۸.۴ کاربرد نظریهٔ نحوی در کار بالینی
۲۱۹	۱.۸.۴ مقوله‌های نحوی
۲۲۳	۲.۸.۴ ساختار سلسله‌مراتبی
۲۲۴	۳.۸.۴ ارائهٔ ساختار
۲۲۷	۴.۸.۴ تحلیل دستوری و رشد دستور
۲۳۳	۹.۴ خلاصه

## فصل پنجم: صرف

۲۳۷	۱.۵ مقدمه
۲۳۸	۲.۵ عوامل مؤثر بر خطاهای تصریفی
۲۳۹	۱.۲.۵ رده‌شناسی نظام تصریفی
۲۴۰	۲.۲.۵ نوع تصریف
۲۴۱	۳.۲.۵ قاعده‌مندی
۲۴۳	۴.۲.۵ بسامد
۲۴۴	۵.۲.۵ مشخص‌سازی‌های نحوی - تکواژشناسی و نشان‌داری
۲۴۶	۶.۲.۵ عوامل غیرزبانی
۲۴۷	۳.۵ تبیین نقایص

۲۴۹	۴.۵ ارتباط اختلالات تصریفی با نظریه زبانی
۲۵۰	۵.۵ آسیب ویژه زبانی
۲۵۴	۱.۵.۵ فرضیه زمان انتخابی
۲۵۶	۲.۵.۵ فرضیه حذف زمان/مطابقه
۲۶۰	۳.۵.۵ فرضیه نقص مطابقه
۲۶۲	۶.۵ خلاصه

### فصل ششم: معناشناسی

۲۶۴	۱.۶ مقدمه
۲۶۶	۲.۶ معناشناسی واژگانی
۲۶۶	۱.۲.۶ معناشناسی ساختاری
۲۶۷	۱.۱.۲.۶ ارتباطات جانمایی
۲۶۹	۲.۱.۲.۶ ارتباطات همنشینی
۲۷۰	۲.۲.۶ مؤلفه‌های معنایی
۲۷۱	۳.۲.۶ شبکه‌های معناشناختی
۲۷۲	۴.۲.۶ حافظه معنایی
۲۷۳	۱.۴.۲.۶ نظریه‌های مربوط به حافظه معنایی
۲۷۶	۲.۴.۲.۶ نقایص حافظه معنایی
۲۷۷	۳.۴.۲.۶ روش‌های آزمون حافظه معنایی
۲۷۹	۵.۲.۶ پردازش معنایی واژه در مغز
۲۸۳	۶.۲.۶ آسیب‌های معناشناختی
۲۸۳	۱.۶.۲.۶ آسیب‌های معناشناختی متعاقب آسیب نیمکره چپ
۲۸۸	۲.۶.۲.۶ آسیب‌های معنایی متعاقب آسیب نیمکره راست
۲۹۰	۳.۶.۲.۶ آسیب‌های معنایی در بیماری آلزایمر
۲۹۴	۴.۶.۲.۶ آسیب معنایی متعاقب دمانس معنایی
۲۹۵	۵.۶.۲.۶ آسیب معنایی متعاقب پارکینسون
۲۹۶	۶.۶.۲.۶ آسیب معنایی متعاقب ام.اس.
۲۹۷	۳.۶ معناشناسی غیرواژگانی
۲۹۷	۱.۳.۶ معناشناسی آوایی
۲۹۸	۲.۳.۶ معناشناسی واجی
۲۹۸	۳.۳.۶ معناشناسی دستوری

فهرست ۷

۳۰۰	۱.۳.۳.۶ ایستا یا پویاسازی موقعیت
۳۰۳	۲.۳.۳.۶ تمرکز دقیق یا گسترده
۳۰۸	۳.۳.۳.۶ انتخاب شرکت کنندگان
۳۰۹	۴.۳.۳.۶ پیش‌زمینه‌سازی شرکت کنندگان
۳۱۲	۴.۶ خلاصه

فصل هفتم: کاربردشناسی

۳۱۵	۱.۷ مقدمه
۳۱۶	۲.۷ مفهوم کاربردشناسی
۳۱۶	۱.۲.۷ کاربردشناسی زبانی در برابر غیرزبانی
۳۱۹	۲.۲.۷ دورنمای عصب‌شناختی، شناختی و رفتاری
۳۱۹	۳.۷ کاربرد بالینی نظریه‌ها و مفاهیم کاربردشناسی
۳۲۰	۱.۳.۷ نظریه‌کنش‌گفتاری
۳۲۵	۲.۳.۷ تضمن مکالمه‌ای
۳۳۱	۳.۳.۷ پیش‌انگاشت
۳۳۲	۴.۳.۷ اشاره
۳۳۴	۵.۳.۷ نظریه‌ارتباط
۳۴۳	۶.۳.۷ تحلیل مکالمه
۳۴۵	۷.۳.۷ تحلیل گفتمان
۳۴۷	۱.۷.۳.۷ طبقه‌بندی انواع گفتمان
۳۴۸	۲.۷.۳.۷ سازوکارهای تحلیل گفتمان
۳۵۰	۳.۷.۳.۷ دیدگاه‌های پردازش گفتمان
۳۵۵	۴.۷.۳.۷ دستورهای داستان
۳۵۸	۵.۷.۳.۷ دستور نقش‌گرای نظام‌مند
۳۶۲	۴.۷ مدل برابری کاربردشناسی
۳۷۱	۵.۷ خلاصه
۳۷۵	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۳۸۸	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۴۰۱	منابع

## نمودارها، جداول و اشکال

- نمودار ۱.۱ نمودار ایچیسون از گستره زبان‌شناسی (۱۳۷۱) ۱۲
- نمودار ۲.۱ نحوه توزیع پژوهش‌های گفتاردرمانگران در حوزه‌های زبان‌شناسی ۴۶
- نمودار ۳.۱ نحوه توزیع پژوهش‌های زبان‌شناسان در اختلال‌های گفتار و زبان ۴۷
- جدول ۱.۲ زمان آواسازی، حجم آواسازی و میزان جریان هوا در دو حالت تنفسی ۵۴
- جدول ۲.۲ ساختار سازه‌ای واژه‌های زبان فارسی ۷۲
- جدول ۱.۳ بستارهای تولیدی، متغیرهای مسیر و اندام‌های گویایی ۱۵۳
- جدول ۱.۷ انواع گفتمان مورد استفاده در کار بالینی ۳۴۷
- جدول ۲.۷ عناصر کاربردشناسی برایندی ۳۷۰
- شکل ۱.۳ رتبه‌بندی محدودیت‌ها در سطح اول ۱۴۶
- شکل ۲.۳ تابلو محدودیت‌های مرحله اول ۱۴۷
- شکل ۳.۳ رتبه‌بندی محدودیت‌ها در مرحله دوم ۱۴۹
- شکل ۴.۳ تابلو محدودیت‌ها در مرحله دوم ۱۵۰
- شکل ۵.۳ شاخص‌های بستاری در واژه «دام» ۱۵۵
- شکل ۶.۳ نمایش گستردگی مشخصه خیشومی از همخوان به واژه ۱۵۶
- شکل ۱.۴ نمودار درختی و محل انقطاع آن در زبان‌پریشی ۲۰۱
- شکل ۱.۶ نمونه‌ای از سه نوع حافظه براساس مدل تالوینگ ۲۷۴
- شکل ۲.۶ نمونه‌ای از ساختار سلسله‌مراتبی ۲۷۵
- شکل ۳.۶ نمونه‌ای از سازماندهی مقوله ۲۷۶
- شکل ۱.۷ پاسخ کودک دارای اُتیسم به درخواست «نوشتن نام روزهای هفته» ۳۳۷



## پیش‌گفتار

هدف از نوشتن این کتاب معرفی کامل حوزه زبان‌شناسی بالینی به فارسی‌زبانان است. دانشجویان و پژوهشگرانی که در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی گفتار و زبان فعالیت می‌کنند می‌توانند با مطالعه این کتاب از نحوه ارتباط این دو رشته و تأثیر آنها بر یکدیگر آگاه شوند و به پژوهش‌های مورد نیاز در این حوزه دست یابند.

کتاب‌های خارجی متعددی با عنوان زبان‌شناسی بالینی وجود دارد که اکثر آنها مانند کتاب بال<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) مجموعه مقالات هستند و تعداد اندکی مانند کتاب کامینز<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) تألیف فردی هستند. در ضمن برخی کتاب‌های زبان‌شناسی بالینی مانند کتاب بال و کتاب کریستال<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) براساس حوزه‌های گوناگون زبان‌شناسی مانند آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، معناشناسی و کاربردشناسی (البته کریستال در کتاب خود فقط معناشناسی، واج‌شناسی و نحو را مطرح کرده است) و برخی دیگر مانند کتاب کامینز براساس اختلالات گوناگون گفتار و زبان مانند زبان‌پریشی، آسیب ویژه زبانی و گفتار فلجی و... به نگارش درآمده‌اند. بال در کتاب خود به جنبه‌های زبان‌شناختی مورد استفاده در کار بالینی پرداخته است؛ اما کامینز بیشتر به خود اختلال پرداخته و ضمن ارائه علائم بالینی و شیوع و بروز اختلال، به روش‌های ارزیابی و درمان اختلالات نیز پرداخته است ولی کاربرد نظریه‌های زبان‌شناختی در آسیب‌های گفتار و زبان را مورد بررسی قرار نداده است. روش ما در این کتاب بیشتر برگرفته از کتاب بال است یعنی علاوه بر تقسیم‌بندی مطالب براساس حوزه‌های گوناگون زبان‌شناسی مانند آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، معناشناسی و کاربردشناسی، اختلال‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ زیرا در زبان فارسی هیچ کتابی با عنوان زبان‌شناسی بالینی نوشته نشده است که به

---

1. M. J. Ball

2. L. Cummings

3. D. Crystal

ارتباط بین علم زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی گفتار و زبان پردازد؛ اما راجع به برخی اختلالات، علائم بالینی، روش‌های ارزیابی و درمان آنها کتاب‌هایی نگاشته شده است مثلاً کتاب «زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان» نیلی‌پور (۱۳۸۰) این مهم را محقق ساخته است و به بررسی شاخص‌های زبان‌پریشی و مبانی روش‌های درمان پرداخته است. در ضمن این شیوه نگارش به‌خوبی می‌تواند جایگاه زبان‌شناسی بالینی را به‌عنوان یک میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی گفتار و زبان نشان دهد. بنابراین هدف ما بحث درباره‌ی حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی و تأثیر واقعی و بالقوه آنها در توصیف مجموعه‌ای از آسیب‌های رشدی و اکتسابی است.

این کتاب شامل هفت فصل است که در فصل اول آن ضمن معرفی زبان‌شناسی بالینی، حوزه‌های فعالیت و نقش‌های زبان‌شناس بالینی، پژوهش‌های انجام‌شده در این حیطه نیز بررسی شده است و در شش فصل بعدی حوزه‌های اصلی زبان‌شناسی بالینی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند: آواشناسی، واج‌شناسی، صرف، نحو، معناشناسی و کاربردشناسی.

## فصل اول

### زبان‌شناسی بالینی

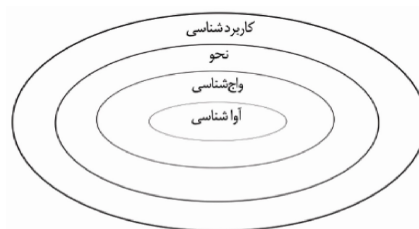
#### ۱.۱ مقدمه

در این فصل ابتدا تعریفی کوتاه از ارتباط، زبان، گفتار و اختلالات گفتار و زبان ارائه می‌شود و سپس به بحث دربارهٔ ارائهٔ تعریفی مناسب از حوزهٔ زبان‌شناسی خواهیم پرداخت. در پایان مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده در این حوزه را بررسی می‌کنیم تا نتایج به‌دست‌آمده رهگشای مطالعات و پژوهش‌های آینده باشد.

اکثر مردم روزانه چندین ساعت از وقت خود را صرف صحبت‌کردن، گوش‌کردن و خواندن و نوشتن می‌کنند. استفاده از زبان جزء لاینفک زندگی انسان است و ناتوانی در استفادهٔ مناسب از آن، بر ارتباطات اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. به‌دلیل اهمیت حیاتی زبان در زندگی بشر، افراد بسیار زیادی از حوزه‌های مختلف مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، گفتاردرمانی و رایانه وارد حوزه‌های میان‌رشته‌ای مرتبط با پژوهش در حیطهٔ زبان مانند روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان، زبان‌شناسی بالینی و... می‌شوند تا به مطالعهٔ عمیق‌تر زبان و ارتباط آن با سایر حوزه‌ها بپردازند. بنابراین جای تعجب نیست که زبان‌شناسی در سال‌های اخیر به‌سرعت گسترش یافته است. از آنجاکه توانایی استفاده از یک وسیله به‌منزلهٔ آگاهی از ساختار و ترکیب آن و یا آگاهی از چگونگی عملکرد آن نیست، استفاده از زبان نیز به‌معنی آگاهی از نحوهٔ عملکرد آن نیست. برای مثال، مردم می‌دانند که تلفن چیست و چگونه کار می‌کند؛ اما اغلب آنها دربارهٔ چگونگی عملکرد آن اطلاع یا نظری ندارند. با در نظر گرفتن پاره‌ای از ملاحظات، زبان و دستگاه تلفن قابل قیاس هستند. هر دو وسیله‌ای برای ارتباط هستند. برای تعمیر تلفن مهندسان مخابرات باید تعلیمات زیادی در زمینه‌های مختلف دیده باشند. دربارهٔ

درمان اختلالات زبان هم، آموزش‌های مربوط به آناتومی، فیزیولوژی و عصب‌شناسی برای یک گفتاردرمانگر ضروری هستند و چگونگی استفاده انسان‌ها از اندام‌ها و ساختمان بدن برای انتقال زبان به شخص دیگر را روشن می‌کنند. آسیب‌شناسی گفتار و زبان از موضوعات میان‌رشته‌ای است که در پی یافتن راه‌ها و فراهم‌آوردن دانش و اطلاعاتی برای جلوگیری از آسیب‌های زبانی با منشأ عصب‌شناختی، نقشی و ساختاری در انسان‌هاست. دانش روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در آگاهی ما از علت و روش‌های برقراری ارتباط سهیم هستند، اما اطلاعاتی درباره ماهیت زبان در اختیار درمانگر قرار نمی‌دهند اما زبان‌شناسی علمی است که اطلاعات اساسی را در مورد نظام ارتباطی انسان فراهم می‌کند (گراندی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹: ۳).

زبان‌شناسی، یعنی مطالعه نظام‌مند زبان، طیف وسیعی از مباحث گوناگون را در بر می‌گیرد که تعیین حد و مرز آن بسیار مشکل است. نمودار دایره‌ای ایچیسون<sup>۲</sup> (۱۳۷۱) نمایی کلی از گستره زبان‌شناسی ارائه می‌دهد که در آن آواشناسی در مرکز قرار دارد. او معتقد است آگاهی کافی از آواشناسی برای زبان‌شناس مفید است. این شاخه دانش اساسی و پایه‌ای است و نه قسمتی از خود زبان‌شناسی. آواشناسان به آواهای فیزیکی واقعی، یعنی مواد خامی که هر زبانی از آن ساخته می‌شود، علاقه‌مند هستند. آنها به مطالعه جایگاه زبان، دندان‌ها و تارهای صوتی هنگام تولید آواها می‌پردازند و امواج صوتی را ثبت و تحلیل می‌کنند. از طرفی دیگر، زبان‌شناسان به چگونگی طرح‌بندی زبان علاقه دارند. آنها به تحلیل شکل یا صورت این الگوها می‌پردازند، نه به ماده فیزیکی تشکیل‌دهنده واحدهای زبان.



نمودار ۱.۱ نمودار ایچیسون از گستره زبان‌شناسی (۱۳۷۱)

- 
1. K. Grundy
  2. J. Aitchison

### فصل اول: زبان‌شناسی بالینی ۱۳

در بسیاری از منابع، به آواشناسی و زبان‌شناسی به‌عنوان علوم زبانی اشاره می‌شود. در نمودار ایچیسون واج‌شناسی آواشناسی را احاطه کرده است و سپس نحو واج‌شناسی را محصور کرده است. واژه نحو در اینجا در معنای گسترده آن آمده است؛ یعنی هم به آرایش و هم به صورت واژه‌ها دلالت می‌کند. نحو قسمتی از زبان است که الگوهای آوایی و معنا را به یکدیگر پیوند می‌دهد. واج‌شناسی، نحو و معناشناسی سه بخش اصلی زبان‌شناسی هستند و این سه بخش دستور هر زبانی را تشکیل می‌دهند.

کاربردشناسی زبان که در اطراف هسته دستوری قرار دارد، هم با معناشناسی و هم با شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی چون روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی رایانشی ارتباط دارد. فردینان دوسوسور<sup>۱</sup> (۱۹۱۳-۱۸۵۷) بنیان‌گذار زبان‌شناسی جدید شناخته شده است زیرا با عقاید سنتی زبان مبارزه و چارچوبی کلی پایه‌ریزی کرد. زبان‌شناسی قرن بیستم مرهون کار اوست. چامسکی<sup>۲</sup> (۱۹۵۷) با انتشار کتابی به نام «ساخت‌های نحوی» تحولات زیادی در زبان‌شناسی ایجاد کرد. نظریه‌های سوسور و چامسکی مخالف هم نیستند و هر دو برای درمان ناتوانی‌های زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. گراندی (۱۹۸۹) معتقد است سوسور برخلاف پژوهشگران پیشین که بیشتر زبان ادبی و نوشتار و به‌ویژه زبان گذشته را درخور توجه و بررسی می‌دانستند، گونه‌های متفاوت زبان را مورد ملاحظه قرار داد. سوسور علاوه بر زبان ادبی، بررسی گفتار عادی را نیز لازم می‌دانست. به‌رغم اهمیت علم زبان‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای که به مطالعه علمی زبان بشر می‌پردازد، بسیاری از مردم، حتی افراد دارای تحصیلات بالا با این رشته آشنا نیستند. برخی از آنها زبان‌شناس را فردی می‌دانند که به چند زبان به روانی سخن می‌گوید، برخی دیگر نیز زبان‌شناسان را متخصصانی می‌دانند که می‌توانند به تشخیص اشکال صحیح‌تر زبان کمک کنند.

## ۲.۱ زبان

برای اینکه بتوانیم خصوصیات زبان را توصیف کنیم، ابتدا باید علائم ارتباطی که منحصرأ برای برقراری ارتباط به‌کار می‌روند را از علائم اطلاعی<sup>۳</sup> یعنی علائم غیرارادی

---

1. F. Saussure  
2. N. Chomsky  
3. informative

که جنبه ارتباطی ندارند، متمایز کنیم. شخصی که به حرف‌های شما گوش می‌دهد ممکن است از طریق برخی از علائم که شما قصد ارائه آنها را ندارید درباره شما اطلاعاتی به دست آورد؛ برای مثال ممکن است متوجه شود سرما خورده‌اید (چون عطسه می‌کنید) یا اینکه راحت نیستید (چون روی صندلی خود وول می‌خورید)، اهل شهر دیگری هستید (چون لهجه دارید) (یول<sup>۱</sup>، ۱۳۷۳: ۳۴). اینها موارد اطلاعی هستند و در مقابل مواردی قرار دارند که به صورت ارادی و با خواست فرد به طرف مقابل منتقل می‌گردند و علائم ارتباطی نامیده می‌شوند.

ارتباط شامل هر وسیله‌ای است که به واسطه آن تبادل اطلاعات بین افراد انجام می‌شود. زبان نوعی ارتباط است؛ اما وسایل ارتباطی دیگری نیز وجود دارند مانند چراغ‌های راهنمایی که به رگم استفاده از دستورات نمادین، متکی بر زبان نیستند. فقط لازم است که کاربران آنها از نظام موجود در آن آگاهی داشته باشند. انسان‌ها می‌توانند نظرات و احساسات خود را از طرق مختلفی مانند علائم دستی، بیانات چهره‌ای، زبان بدن، اشاره یا حرکت سر، خنده و چشمک زدن منتقل کنند. این فنون فرازبانی با آواسازی همراه نیستند. اما ابزارهای ارتباطی (غیرزبانی) دیگری وجود دارند مانند غرغرکردن<sup>۲</sup>، ناله کردن<sup>۳</sup>، آه کشیدن<sup>۴</sup> و... که با آواسازی همراه هستند و تنها در صورتی ارتباطی خواهند بود که فرد آنها را به صورت ارادی و برای انتقال پیام به کار برد.

مردم اغلب از واژه زبان در مفاهیم بسیار متنوعی استفاده می‌کنند: «زبان گل‌ها»، «زبان موسیقی»، «زبان بدن» و غیره. اما در بیشتر کتاب‌های زبان‌شناسی، این واژه به مفهوم نظام اختصاصی پیام‌رسانی آوایی در نظر گرفته می‌شود که ظاهراً به صورت وراثتی برای استفاده انسان طراحی شده است. بی تردید انسان می‌تواند پیام‌های زبانی را غیر از گفتار به روش‌های دیگری مانند علائم نوشتاری، الفبای بریل، زبان اشاره و امثال آنها نیز منتقل کند. اولین بار سوسور، بنیان‌گذار زبان‌شناسی نوین، وجوه دوگانه‌ای برای زبان مطرح کرد. او معتقد بود که باید هریک از این وجوه را نام‌گذاری کرد تا از یکدیگر متمایز شوند. سوسور به سه مفهوم توانایی گویایی، زبان و گفتار اشاره می‌کند و زبان و گفتار را دو جنبه توانایی زبانی می‌داند. به نظر وی، زبان نظام ارتباطی مشترکی

- 
1. G. Yule
  2. grunt
  3. groan
  4. sigh

است که تمامی سخنگویان یا فراگیرندگان یک زبان به‌طور مشترک و یکسان می‌آموزند و به‌کار می‌برند. بنابراین زبان نظامی ذهنی و انتزاعی است که در ذهن همه کاربران یکسان است. این نظام شامل قواعدی است که افراد به میل و خواست خود قادر به تغییر آن نیستند.

در مقابل این نظام کلی ذهنی یعنی زبان، وجه دیگر این پدیده یعنی گفتار قرار دارد که جزئی و عینی است. هر بار که شخص چیزی می‌گوید یا مطلبی می‌نویسد، بخشی از نظام کلی و ذهنی زبان را به‌کار می‌برد که جنبه عینی و فیزیکی دارد و گفتار نامیده می‌شود. گفتار، اختصاصی، شخصی و از فردی به فرد دیگر متفاوت است یعنی گفتار هر فرد ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد. به عبارت دیگر، زبان که وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و پیام‌رسانی تعریف شده است، تا زمانی که به صورت یک مجموعه و دستگاه انتزاعی و ذهنی است نمی‌تواند پیامی را منتقل کند، زیرا عینیت و تظاهراتی ندارد تا برای طرف مقابل قابل حس باشد. برای اینکه از این دستگاه ذهنی برای برقراری ارتباط استفاده شود باید به صورت عینی و محسوس درآید.

زبان و گفتار به یکدیگر وابسته و هریک بر دیگری متکی هستند. کودکان زبان را از راه شنیدن گفتار در محیط خود فرا می‌گیرند. زبان نیز از راه گفتار تغییر می‌یابد. یعنی زبان هم ابزار اصلی گفتار و هم محصول آن است. با این حال، پیوند بسیار نزدیک زبان و گفتار مانع از درک تمایز آنها از یکدیگر نمی‌شود. سوسور برای تبیین تمایز میان زبان و گفتار از مثال‌های گوناگونی استفاده کرده است. برای مثال، زبان را به یک آهنگ نوشته شده موسیقی و گفتار را به اجراهای متعدد آن تشبیه می‌کند و معتقد است واقعیت آهنگ با اجراهای گوناگون آن متفاوت است.

سوسور معتقد است برای درک زبان لازم است گوینده و عمل ارتباط را مدنظر داشته باشیم. برای ارتباط حداقل به دو نفر یعنی گوینده و شنونده نیاز است. مفهومی که در ذهن گوینده وجود دارد یک الگوی صوتی را در مغز او برمی‌انگیزد. منظور سوسور از الگوی صوتی<sup>۱</sup>، صوت یا آوای گفتاری نیست. آوای گفتاری با حرکات پیچیده اندام‌های گفتاری تولید می‌شوند و هر شنونده‌ای قادر است آنها را بشنود. با در نظر گرفتن وقایعی که در زمان مکالمه یا در هنگام خواندن شعر، در ذهن شخص می‌گذرد بهتر می‌توان الگوی صوتی را درک کرد. زمانی که شخص هرکدام از این

فعالیت‌ها را انجام می‌دهد به واژه‌ها فکر می‌کند اما در واقع آنها را بیان نمی‌کند. سوسور اصطلاح الگوی صوتی را برای اشاره به واژه‌ها در وضعیت ذهنی به‌کار برد. بنابراین اتحاد مفهوم ذهنی و الگوی صوتی در مغز اتفاق می‌افتد و پدیده‌ای روان‌شناختی است. مفهوم، الگوی صوتی را مشخص می‌کند و سپس مرکز هماهنگی در مغز جریان‌های عصبی را به اندام‌های گفتاری می‌فرستد تا گوینده کلمه مورد نظر را بیان کند.

مرحله دوم یعنی مرحله نقشی دخالت مغز، اعصاب، مواد شیمیایی و عضلات را می‌طلبد. هنگام بیان واژه، موج صوتی گفتار با گذر از هوا که رویدادی کاملاً فیزیکی است به گوش شنونده می‌رسد و از طریق اعصاب به مغز منتقل می‌شود (فیزیولوژیکی)، بنابراین الگوی صوتی در مغز شنونده فعال می‌شود و مفهوم خاصی را برمی‌انگیزد (روان‌شناختی). با انتخاب پاسخ توسط شنونده، کل چرخه دوباره تکرار می‌شود. سوسور این چرخه را مدار گفتار نامیده است.

او در الگوی خود تفاوت بین موارد ذیل را مشخص می‌سازد:

- الف) پدیده روان‌شناختی: مفاهیم و الگوهای صوتی؛
- ب) پدیده فیزیولوژیکی: گفتار و شنیدن؛
- ج) پدیده فیزیکی: امواج صوتی گفتار.

به‌علاوه سوسور این مدار را به‌گونه‌های دیگر نیز تقسیم‌بندی کرده است:

- بخش خارجی (امواج صوتی از دهان به گوش منتقل می‌شوند) و بخش داخلی (بقیه موارد)

- بخش روان‌شناختی (الف) و بخش غیرروان‌شناختی (ب و ج) (گراندی، ۱۹۸۹: ۵).

این تمایزات، پایه‌ای اساسی برای درک ماهیت زبان فراهم می‌کنند. برای مثال، بخش مربوط به پدیده فیزیکی، یعنی امواج صوتی گفتار، جزء زبان نیستند، زیرا در شرایطی که زبان مورد نظر برای ما بیگانه باشد، با وجود شنیدن امواج صوتی گفتار، هیچ درکی از آنها نخواهیم داشت. بنابراین بخش‌های فیزیولوژیکی گفتار و شنیدن جزء زبان نیستند و زبان تنها در بخش روان‌شناختی مدار گفتاری قرار دارد یعنی شامل مفاهیم<sup>۱</sup> و الگوهای صوتی است.

---

1. concept



سوسور ترکیب مفهوم و الگوی صوتی را «نشانه زبانی»<sup>۱</sup> نامید. او عقیده داشت مفهوم نشانه زبانی و حقایق مربوط به آن، اساس درک ماهیت حقیقی زبان هستند و اطلاعات زیادی برای افراد علاقه‌مند به بررسی اختلالات زبانی فراهم می‌کنند. اولین مسئله‌ای که از نشانه زبانی، یعنی مفهوم و الگوی صوتی، درک می‌شود جدانشدنی بودن دو بخش آن است. سوسور برای بیان این مسئله از قیاس دو طرف یک تکه کاغذ استفاده می‌کند و معتقد است نمی‌توان یک طرف کاغذ را بدون طرف دیگر به‌کاربرد؛ البته در زمینه‌های علمی، امکان جداسازی تصور و الگوی صوتی وجود دارد. برای مثال، ممکن است شخص در هنگام مشاهده یک صدلی، از تطبیق مفهوم آن با یک الگوی صوتی آگاه باشد؛ اما در عمل برای زبان، این دو قسمت جدانشدنی هستند. مفهوم نشانه زبانی در افراد دارای اختلالات زبانی ما را به این مهم متوجه می‌سازد که برخی از افراد ممکن است در یادگیری یا نگهداری کل نشانه مشکل داشته باشند. در این موارد دو امکان وجود دارد و آن این است که آنها مفاهیم زبان خودشان را می‌دانند ولی در تطبیق دادن الگوهای صوتی با آنها مشکل دارند یا اینکه اصلاً آن مفاهیم زبانی را نمی‌دانند تا بتوانند الگوهای صوتی را با آنها تطبیق دهند. در عمل متخصصان با کسانی مواجه خواهند شد که یک یا هر دو این حالات را دارند.

مسئله مهم دیگر درباره نشانه زبانی این است که هر دو قسمت آن کاملاً قراردادی است. قراردادی بودن الگوی صوتی به‌راحتی قابل درک است و با پذیرش این موضوع به‌راحتی می‌توان ماهیت مشکل کودکانی را که اصطلاحات متضاد را اشتباه می‌گیرند، درک کرد. بنابراین بی‌تردید یکی از مشکلاتی که افراد دچار آسیب زبانی تجربه می‌کنند، اشکال در نگهداری یا ایجاد ارتباط طبیعی بین مفهوم و الگوی صوتی است. درک قراردادی بودن مفاهیم کمی دشوارتر است اما کم‌اهمیت‌تر نیست. البته عقیده به اصل دلخواهی بودن رابطه موجود میان صورت آوایی و معنی را نخستین بار ارسطو ابراز کرد ولی سوسور آن را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های نشانه زبانی مورد تأکید قرار داد (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۳: ۷۲).

بین الگوی صوتی و مفهوم، ارتباط ذاتی وجود ندارد (اگرچه می‌توان استثناهایی مانند خش‌خش و وزوز را نام برد). برای شناسایی وجود یک مفهوم و انتساب آن به

یک الگوی صوتی نیز دلیل ذاتی وجود ندارد. این مسئله هنگام ترجمه از یک زبان به زبان دیگر آشکار می‌شود (اگر در زبان‌ها تطابق یک‌به‌یک بین مفاهیم وجود داشت، ترجمه فقط مبادله یک الگوی صوتی با دیگری و سازماندهی مجدد آن واژه‌ها بود. در هنگام ترجمه اغلب با واژه‌هایی از یک زبان برخورد می‌کنیم که در زبان دیگر ترجمه مستقیم ندارند. هر جامعه زبانی واقعیات را به روش منحصر به فرد خود طبقه‌بندی می‌نماید. برای مثال برف در انگلیسی یک واژه دارد ولی در بین اسکیموها ۱۲ علامت زبانی مختلف دارد. به جرأت می‌توان گفت که برف برای اسکیموها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین توجه آنها به مواردی جلب شده است که برای بقیه غیر ضروری است). زبان افرادی که در اکتساب زبان مشکلی ندارند به میزان زیادی انعکاس اندیشه آنها از طبقه‌بندی مفاهیم در ذهنشان است که به صورت قراردادی و اجتماعی ایجاد شده است. با درک کامل ماهیت اختلالات در افراد دارای اختلال زبانی متوجه می‌شویم که این امکان وجود دارد که ادراک آنها مشابه ما نباشد. نشانه‌های زبانی مورد استفاده ممکن است قراردادی یا طبیعی باشد. واژه در نظر یک کودک یا بزرگسال دارای ضایعه مغزی چگونه است؟ تصور آنها از زمان، مکان، حس لمس، حس چشایی، رنگ، احساس، کیفیت و کمیت و... چگونه است؟ گاهی افراد مبتلا به یک اختلال زبانی، فقط در یادگیری و یا به خاطر آوردن واژه‌ها (یا الگوهای صوتی) مشکل ندارند؛ بلکه اغلب درک آنها از مفاهیم اندک است. بنابراین در درمان زبان، اغلب پیش از آموزش الگوهای صوتی از آموزش عملی و روش‌های غیر زبانی برای آموزش مفاهیم استفاده می‌شود.

نکته سوم در نظریه سوسور این است که نشانه‌های زبانی به‌طور جداگانه وجود ندارند بلکه قسمتی از یک نظام هستند. هر نشانه به‌همراه نشانه‌های دیگر در یک شبکه ارتباطی قرار دارد و معنای خود را از آن می‌گیرد؛ برای مثال، قرمز وقتی معنا دارد که در زمینه‌ای از نام دیگر رنگ‌ها قرار گیرد؛ یعنی قرمز رنگی است که آبی، زرد، نارنجی، سبز یا رنگ دیگری نیست. به‌منظور درک و تحلیل تمام ارزش‌های رنگ قرمز باید تمام طیف رنگی را درک کرد. در اثر فقدان نام بقیه رنگ‌ها، رنگ قرمز معنی کاملی ندارد. مانند زمانی که معلم زبان سعی می‌کند که با نشان دادن صد شیء قهوه‌ای با اشکال مختلف طی چندین ساعت کلمه قهوه‌ای را به یک دانش‌آموز بیاموزد؛ ولی دانش‌آموز

علامتی از اکتساب مفهوم قهوه‌ای نشان نمی‌دهد و معلم تصمیم می‌گیرد کار را با پانصد شیء قهوه‌ای انجام دهد و مراحل را روزهای بعد تکرار کند. در پایان دوره دانش‌آموز معنی قهوه‌ای را نمی‌آموزد. بنابراین معلم تصمیم می‌گیرد به او یاد دهد تا بین قهوه‌ای و قرمز، قهوه‌ای و خرمایی، قهوه‌ای و سبز، قهوه‌ای و زرد، و قهوه‌ای و سیاه تمایز قائل شود. زمانی که دانش‌آموز به ارتباط بین قهوه‌ای و دیگر رنگ‌ها دست یافت، رنگ قهوه‌ای را درک کرد. زیرا قهوه‌ای به‌عنوان مفهومی مستقل با تعدادی خصوصیات اصلی تعریف نشده است؛ بلکه نام یک رنگ در نظام نام رنگ‌ها و از طریق ارتباط با دیگر نام‌ها تعریف می‌شود. در کل هیچ علامت زبان‌شناختی به خودی خود ارزش یا معنی ندارد.

برای اثبات این واقعیت که زبان تنها نظامی از ارزش‌هاست و نه جوهر یا ماده صوتی، لازم است عناصری را که در کارکرد آن نقش اساسی دارند، یعنی مفاهیم یا معانی و صداها، مورد توجه قرار دهیم. از لحاظ روان‌شناختی افکار یا مفاهیم جدا از صورت‌های آوایی مربوط به آنها یعنی بدون اینکه به کمک نظام زبان سازمان یابند، توده‌ای بی‌شکل و نامشخص هستند. زبان‌شناسان و سایر پژوهشگران نیز همواره بر این عقیده بوده‌اند که بدون کمک نشانه‌های آوایی زبان انسان هرگز قادر نبود که میان مفاهیم گوناگون و فراوان تمایز صریح و ثابتی برقرار کند؛ یعنی بدون زبان، فکر توده‌ای خام و نامشخص است و بدون فکر و مفاهیم، صداها نیز واقعیت‌های نامشخص و درهمی هستند. بنابراین می‌توان گفت که زبان نظامی است که به مفاهیم و صداها سازمان می‌دهد و میان آنها پیوند برقرار می‌کند.

سوسور دو نوع رابطه مهم بین عناصر زبانی را ذکر کرده است که از ارزش نشانه‌ها یا واحدهای زبانی ناشی می‌شوند. در واقع نظام یا ساخت زبان بر پایه این رابطه‌ها یعنی جانشینی و همنشینی استوار است. برای درک رابطه جانشینی کافی است بدانید که عناصر زبان در بیرون از زنجیره گفتار، نسبت به یکدیگر روابطی دارند. به عبارت دیگر عناصر و نشانه‌های زبانی به صورت گروه‌هایی که ویژگی مشترکی دارند در ذهن سخنگویان با هم همراه هستند. بنابراین رابطه جانشینی بر پایه تداوی یا یادآوری عناصر زبانی مربوط به هم و خارج از زنجیره گفتار است یعنی به ماهیت خطی گفتار مربوط نیست. مانند:

آموختن / درس / دانش / دانش‌آموز / آموزش / آموخته.

تداعی‌های مذکور بر پایه نوعی همسانی در ارزش معنایی، دستوری یا آوایی است. بنابراین با رابطه جانشینی می‌توان عناصر غایب را که در یک گروه و به‌طور ذهنی و بالقوه وجود دارند مشخص کرد. یعنی هر واژه، واژه‌ها و عناصری را که با آن تداعی می‌شود در ذهن برمی‌انگیزد. مفهوم ارتباطات جانشینی، فرد را قادر به استفاده از مفاهیمی می‌کند که زبان به‌عنوان یک شبکه از نشانه‌های مرتبط ایجاد کرده است و ارزش هر علامت وابسته به ارزش علائم دیگر است. برای مثال اگر نشانه زبانی گرم از این نظام برداشته شود، ارزش نشانه‌های دیگری که در این نظام در ارتباطات جانشینی با گرم قرار دارند به‌نحو نامحسوسی تغییر می‌کند. یعنی این مفهوم که به‌طور معمول با الگوی صوتی گرم تداعی می‌شد در اصطلاح‌هایی همچون داغ، خیلی گرم و غیره قرار می‌گیرد (گراندی، ۱۹۸۹: ۸).

ارتباط مهم دیگر تقابل است و زمانی وجود دارد که عناصر با یکدیگر ترکیب می‌شوند. سوسور این نوع ارتباط بین واژه‌ها را همنشینی نامید و احتمال ترکیب عناصر زبانی را تعریف کرد. اگر میان عناصری امکان همنشینی وجود نداشته باشد، در واقع میان آنها رابطه همنشینی وجود ندارد. از این رو اگر در یک زنجیره ظاهر شوند صورتی بی‌معنی و نادرست تولید می‌شود مانند جمله: «درختان به همه چیز می‌اندیشند».

اگر به مشکلات کودکانی که اصطلاحات متضاد را اشتباه می‌کنند بیندیشیم، متوجه می‌شویم که مشکل در روابط جانشینی است. با این آگاهی که نشانه‌های زبانی به‌طور مستقل یاد گرفته نمی‌شوند، یکی از راه‌های درمان، ارائه همزمان دو اصطلاح است. مواجهه کودک با اشیای گرم و سرد باید تاحدی باشد که بتواند اختلاف بین دو مفهوم را درک کند و گرم و سرد را یاد بگیرد. اما این روش ممکن است باعث شود که کودک نتواند تشخیص دهد که الگوی صوتی مورد نظر مربوط به کدام یک از این مفاهیم جفت است. روش دیگری که به‌جای این روش به‌کار می‌رود این است که در هر نوبت یک نام یا مفهوم انتخاب شود و دیگر نام‌ها یا مفاهیمی که با آن ارتباط جانشینی دارند به شخص آموزش داده شود:

داغ / آتش / خطر / سوختن / جراحت

داغ / خورشید / تابستان / تعطیلات / کنار دریا / شنا

امروزه نظریه‌های همنشینی و جانشینی، نظریه ساختاری زبان نامیده می‌شوند. این نظریه زبان را نوعی ساختار شبکه‌ای از ارتباطات بین نشانه‌ها و مرکب از سطوح